



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۲/۲۹



هارون یوسفی

لحظه های گمشده

من کودکی ام را می خواهم



تخت سال نو میلادی به دوستان

یکاش

روزهای کودکی ام زنده می شدند

روزهای رویایی

و دنیای کوچکِ بزرگ من

من به دنبال روزهای کودکی ام میگردم

آسکاهی که شپیره های رنگ رنگ

روی شگوفه های سید آلوبالو

درس محبت می خوانند

و روز هانی را که

تقدیم چهار فصل به ایم بهار بود

من کودکی ام را می خواهم

تا عبور نوروز را بینم

هر روز بینم

روز هانی را که، آبی - سرخ بود

وزرد - سبز

دیوار خانه ما بلند بودند

و همسایه ما، با هم سایه بودند

من کودکی ام را می خواهم

روز هانی را که

جاده ما در انتظار حادثه بودند

کودکی ام را می خواهم

تا مانند پیرهنم دوباره آنرا به تن کنم

من دنبال بمبیرک هانی می کردم

که دهم های شان را
بانج های ماسین خیاطی مادرم می بستم
و پرواز شان می دادم
من روز های کودکی ام را می خواهم
آنگاه بی که دهن تفنگ ها فازه می کشیدند
صد بار در یک روز نمی مردم
قیمت اجناس را نمی دانستم
و از کرایه خانه
نقطه نامی شنیده بودم
و روز هایی را که
مادرم مرا به زیارت می برد
و من
برای کبوتر ها دانه می دادم
من دنبال روز های گریخته خود می گزدم
آنگاه بی که

کافذهای دقترچه پدرم رامی دزدیدم

وکشتق می ساختم

بابادبان های سید

ودر آبهای روان باران های بهادی رهایم کردم

من روزهای خوش کودکی ام رامی خواهم

کوباغذغرانک خود

تمام سمفونی جهان را در دست داشتم

من روزهای کودکی ام رامی خواهم

زمانی را که

مادرم

مرا با پیوند، نک، صدایم کرد

من کودکی ام می خواهم

آسمانی را که عبور نوروز را می دیدم

گل های زرد را از سرتور سبزه های چیدم

به مادرم می دادم

تا بیایم تاج شاهان بسازد
روز های راکه برایم از ریای خبری نبود
از خیانت اثری
و جهان را مانند قذیل شافی می دیدم
آنگاه بی راکه پدرم خسته از کار می آمد
روی مادرم را می بوسید
روی مرا می بوسید
و به برادر بزرگم میگفت، مرد خدا،
و من فکر می کردم، فرهاد، شیر خداست
من کودکی ام را می خواهم
روز هایی راکه بایک لولک
در صحن حیوانی کوچک خانمان
تمام دنیا را سفر می کردم
و از خبر بی خبر بودم
من روز هایی را می خواهم که

باستارگان

بخت اس تاق می کردم

بازندگی بازی می کردم

و نیدانستم

روزی زندگی با من بازی می کند

میدانم:

آنچه رفت باز نمی گردد

من:

برای یافتن یک روز کودکی خود

یک عمر جشن خواهم گرفت

هارون یوسفی



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!